

نقش پدران کلیسا در شکل‌گیری کلیسای مسیحی

جواد باغبانی*

چکیده

مسیحیان برخلاف توصیه حضرت عیسی علیه السلام که گفته بود کسی را «پدر» نخوانید، اسقفان برجسته متکلم و صاحب‌قلم خود را در فاصله بین سال‌های ۱۰۰-۵۰۰ م. پدران کلیسا نامیدند. کلیسا به معنای جامعه مسیحی است. دوره پدران کلیسا، به دلایل الهیاتی نزد هر سه فرقه بزرگ مسیحی دارای اهمیت است. رشته‌ای که به مطالعه پیرامون زندگی و آثار پدران کلیسا می‌پردازد، «پاترولوژی» نام دارد.

مورخان مسیحی، پدران کلیسا را از جنبه‌های گوناگون تقسیم کرده‌اند. از جمله در رابطه با زبانی که آنان با آن سخن می‌گفتند: از این‌رو، پدران کلیسا به آبی یونانی‌زبان و آبی لاتینی‌زبان تقسیم می‌شوند. پدرانی نیز بوده‌اند که نه یونانی‌زبان محسوب می‌شوند و نه لاتینی‌زبان. این نوشتار به این موضوع پرداخته است.
کلید واژه‌ها: پدران کلیسا، پاترولوژی، پدران رسولی، دکترهای کلیسا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله‌های علمی
جامع علوم انسانی

مقدمه

دانشمندان مسیحی به اسقفان برجسته متکلم که در فاصله بین سال‌های ۱۰۰-۵۰۰ م. زندگی می‌کردند،^۲ پدران کلیسا می‌گویند. «کلیسا» در زبان فارسی از واژه یونانی «اکلیسیا»^۳ گرفته شده و در لغت به معنای «مجمع» است. بیشترین کاربرد واژه «کلیسا» در سه معناست:

۱. جامعه مؤمنان مسیحی. مقصود حضرت عیسی علیه السلام از کلیسا در این عبارت نیز جامعه مؤمنان است: «و من نیز تو را می‌گویم که تویی پطرس و بر این صخره کلیسای خود را بنا می‌کنم. ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهد یافت و کلیدهای ملکوت آسمان را به تو می‌سپارم. آنچه بر زمین ببندی، در آسمان بسته گردد و آنچه در زمین گشایی، در آسمان گشاده شود».^۴ جوامع ایمانی مسیحیت با لفظ کلیسا مشخص می‌شوند. برای مثال، گفته می‌شود: کلیسای کاتولیک،^۵ کلیسای ارتدکس^۶ و کلیسای پروتستان.^۷ در اسلام برای جامعه مؤمنان واژه «امت» به کار می‌رود.^۸

۲. جامعه روحانیت مسیحی.^۹

۳. ساختمانی که مسیحیان برای عبادت در آن جمع می‌شوند. «کلیسا» در این معنا در برابر «کنیسه»^{۱۰} و «مسجد» قرار می‌گیرد.

منظور از واژه «کلیسا» در عنوان ترکیبی «پدران کلیسا» جامعه مسیحی است.

پیشینه

در عهد عتیق برگزیدگانی مانند حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت اسحاق علیه السلام و حضرت یعقوب علیه السلام، که قوم بنی اسرائیل را پدید آورده‌اند و در عهد جدید کسانی که به کمک روح القدس، ایمان مسیحی را تعلیم داده‌اند، «پدران» نامیده می‌شوند. پولس رسول می‌گوید: «زیرا هر چند هزاران استاد در مسیح داشته باشید، اما پدران بسیار ندارید؛ زیرا که من شما را در مسیح به انجیل تولید نمودم».^{۱۱}

در قرون نخست مسیحیت، اسقف کلیسا را به سبب تعمید و تعلیم مردم «پدر در مسیح» می‌خواندند. از قرن چهارم به بعد، اسقفانی را که برای حجیت سنت مسیحی به آثارشان استناد می‌شد، «پدر» می‌نامیدند. آگوستین (۳۵۴-۴۳۰ م.) برای اولین بار جروم (۳۴۰-۴۲۰) را که اسقف نبود، در ردیف «پدران» قرار داد. در غرب، برای ابراز وفاداری به

اسقفان از عنوان «پدر» استفاده می‌شد. شاخه ارتدکس شرقی مسیحیت برخی از متکلمان قرون وسطا را نیز «پدران کلیسا» می‌نامد.

منع عیسی علیه السلام از کاربرد واژه پدر

۱. طبق عهد جدید، حضرت عیسی علیه السلام توصیه کرد که همه پیروانش با هم برادر باشند؛ کسی احساس برتری نکند و هیچ‌کس عنوان «پدر» نداشته باشد: «هیچ کس را بر زمین «پدر» خود مخوانید؛ زیرا پدر شما یکی است که در آسمان است».^{۱۲}

کاتولیک‌ها، برخلاف توصیه آن حضرت، اسقف اعظم رم را «پاپ» می‌نامند. این واژه از «پاپاس»^{۱۳} یونانی، به معنای «پدر» می‌آید. عهد جدید نیز سه مرتبه از واژه «ابا»،^{۱۴} که در زبان سریانی به معنای «پدر» است، استفاده می‌کند.^{۱۵} آبوت^{۱۶} نیز که به معنای «پدر» است و به رهبر یک گروه از راهبان گفته می‌شود، از همین واژه به دست می‌آید. شاخه ارتدکس شرقی مسیحیت، به اسقفان عالی‌مقام برخی مراکز خود عنوان «پاتریارک»^{۱۷} به معنای «پدر فرمانروا» می‌دهند. پاتریارک مسکونی^{۱۸} لقبی است که مسیحیان ارتدکس به پاتریارک استانبول عطا می‌کنند.

علاوه بر این، در مسیحیت به کسی که هنگام تعمید کودک متعهد می‌شود، به امور دینی وی رسیدگی کند، پدر تعمیدی گفته می‌شود. وی در صورت درگذشت والدین، یا بی‌توجهی آنان به تربیت دینی فرزندشان، تعهد خود را عملی می‌کند.

واژه‌شناسی

پاترولوژی^{۱۹} عنوان رشته‌ای است که به مطالعه پیرامون زندگی و آثار پدران کلیسا اختصاص دارد. واژه‌ها و اصطلاحات آبابی^{۲۰}، آباء‌شناسی^{۲۱} و الاهیات پدران (پدرشناسی) نیز به همین معناست. در این فن، نوشته‌های دفاعی پدران کلیسا بررسی می‌شود.^{۲۲}

عصر پدران

۱. به عقیده مسیحیان، حضرت عیسی علیه السلام سال ۳۰ به رسالت برگزیده و در سال ۳۳ مصلوب شد. جسد وی از صلیب برداشته شد و در قبر مدفون گردید. آن حضرت، پس از سه شبانه‌روز از قبر برخاست و تا چهل شبانه‌روز برای شاگردانش ظاهر می‌شد. پس از این چهل روز، عیسی علیه السلام به آسمان رفت و تاکنون بازنگشته است. پانصد سال صدر مسیحیت، به دو دوره^{۲۳} تقسیم می‌شود: عصر رسولان و عصر پدران.

الف. عصر رسولان. این عصر شامل سال ۲۴۳۰ تا سال ۱۰۰ م. است. پس از رستاخیز عیسی علیه السلام رسولان آن حضرت، اعم از شاگردان برگزیده وی و کسانی مانند پولس که عیسی علیه السلام را ندیدند، به تبلیغ آیین حضرت اقدام کردند. آخرین رسول عصر رسولان، یوحناست که حدود سال ۱۰۰ م. از دنیا رفت.

ب. عصر پدران. فاصله بین سال‌های ۱۰۰-۵۰۰ را «عصر پدران»^{۲۵} می‌نامند. پدران کلیسا در این دوره، تفاسیری بر کتاب مقدس نوشتند و از عقاید مسیحیت دفاع کردند، امور مربوط به ایمان و شرایط آن را شرح دادند، حوادث و مجادلات زمان خویش را ثبت نمودند و تعالیم مسیحی را به یهودیان و بت پرستان عصر خود انتقال دادند. این دوره، به عصر پدران شهرت یافته است؛ زیرا چهره‌های برجسته‌ای مانند ژوستین شهید،^{۲۶} ایرنه، اوریگن، ترتولیان و آگوستین، که همه عنوان پدر کلیسا داشتند، در این عصر زندگی می‌کردند. تاریخ دقیق این عصر، از زمان خاتمه نگارش عهد جدید (حدود ۱۰۰ م.) تا شورای کالسدون^{۲۷} (۴۵۱ م.) است.

پدران رسولی

«پدران رسولی»^{۲۸} دوران رسولان را درک کرده بودند. با رسولان و آموزه‌های آنان بودند و پس از نوشته شدن عهد جدید، نگارش آثار مسیحی را ادامه دادند و از رهبران کلیسا به شمار می‌رفتند. قدیس کلمنت (۳۰-۱۰۰ م.)، ایگناتیوس انطاکی (۱۱۰ م.) و پولیکارپ شهید (۶۹-۱۵۵ م.) از پدران رسولی هستند. پدران رسولی پیش از اینکه سنت کلیسایی شکل بگیرد، آرای خود را بیان کردند، اعمال و گفتار عیسی علیه السلام را مد نظر قرار دادند و کتاب مقدس را برحسب آن تفسیر کردند. با تلاش آنان، عقاید مسیحی تثبیت شد. بنابراین پدران رسولی کسانی هستند که اولاً، با حواریون و رسولان ارتباط داشته و ثانیاً، از خود آثار و تألیفاتی به جا گذاشته‌اند.

آثار پدران رسولی

شاید قدیمی‌ترین اثر پدران رسولی، رساله اول کلمنت باشد. دیداخره،^{۲۹} رساله دوم کلمنت، قطعاتی از پاپیاس، دفاعیه کوادراتوس، شبان هرماس، رساله برنابا، هفت رساله از ایگناتیوس انطاکی به افسسیان، مغنسیان (مانیسای کنونی در ترکیه)، ترالیانیان، رومیان، فیلاذلفیانیان، از میرنیان و پولیکارپ، رساله پولیکارپ به فیلیپیان، رساله پولیکارپ شهید و

رساله به دیوگنتیوس^{۳۰} مجموعه‌ای از رساله‌های پدران رسولی است.^{۳۱} نوشته‌های پدران رسولی سه ویژگی دارند:

- ا. علاوه بر عهد جدید به عهد عتیق نیز عمیقاً تکیه می‌کنند؛
- ب. از مسائل فلسفی کمتر سخن به میان آورده‌اند؛
- ج. اغلب مربوط به سال‌های ۹۵ تا ۱۵۰ م. است.^{۳۲}

دکترهای کلیسا

به برخی از پدران کلیسا، عنوان «دکتر» داده شده است. دکترهای کلیسا، نه تنها برای کلیسا، یعنی جامعه مسیحی، تألیفاتی داشته‌اند، بلکه پیرامون کلیسا نیز آثاری پدید آورده‌اند. یکی از ویژگی‌های مهم این گروه، سازماندهی آموزه‌های مسیحی و ایجاد نظام الاهیاتی بوده است. از این‌رو، برخی آثار، آنان را بنیانگذاران می‌نامند. پدرانی که در کلیسای غرب «دکتر خوانده» شده‌اند، عبارتند از آمبروز، آگوستین، جروم گریگوری کبیر. همچنین پدرانی که در کلیسای شرق دکتر خوانده شده‌اند، عبارتند از آتاناسیوس؛ باسیل؛ گریگوری نازیانزی و یوحنا زین‌دهن. بعدها این عنوان به صورت افتخاری به برخی از متألهان کلیسا نیز داده شده است.

نقش پدران کلیسا

دوره پدران کلیسا، یکی از تأثیرگذارترین دوره‌های تاریخ تفکر مسیحی است. و به دلایل الاهیاتی دارای اهمیت است. هر سه فرقه بزرگ مسیحی یعنی کاتولیک، ارتدکس و پروتستان و همچنین انگلیکان‌ها این دوره را نقطه عطفی در آموزه‌های مسیحیت می‌دانند. هر یک از این کلیساها، خود را ادامه و بسط‌دهنده آن دوره می‌پندارند. برای مثال، لسلوت آندروز^{۳۳} (۱۶۲۶-۱۵۵۵ م.) نویسنده برجسته انگلیکان در قرن هفدهم اعلام کرد که اساس مسیحیت راست‌کیش عبارت است از دو عهد (عهدین)، سه اعتقادنامه، چهار انجیل و پنج قرن نخست تاریخ مسیحیت.

پدران کلیسا بیشتر در سه محور زیر تأثیرگذار بوده‌اند:

ا. تعیین فهرست رسمی عهد جدید یا تنظیم کتاب‌های قانونی

واژه «قانونی» برگرفته از واژه یونانی «کانن»^{۳۴} به معنای خط‌کش، محدوده، معیار، ضابطه و میزان است. به عقیده مسیحیان، پدران کلیسا با الهام روح‌القدس محدوده کتاب مقدس را

تعیین و بر اقتدار و مرجعیت^{۳۵} آنها اجماع کردند. بر این اساس، انجیل لوقا قانونی و انجیل توماس خارج از محدوده کتاب‌های قانونی^{۳۶} قرار گرفت.

هنگام نگارش عهد جدید، اصطلاح «کتاب مقدس» تنها به عهد عتیق اطلاق می‌شد. از دوران پدران کلیسا، اصرار بر این شد که مسیحیان عهد جدید را دارای همان اقتدار و مرجعیت عهد عتیق بدانند. از زمان ژوستین (۱۰۰-۱۶۵ م)، اناجیل و کتاب اعمال رسولان عهد جدید نامیده شد، و در پایان قرن دوم، این توافق پدید آمد که علاوه بر چهار انجیل و اعمال رسولان، چهارده رساله پولس (رساله به عبرانیان را نیز اثر پولس دانسته می‌شد) و مکاشفه یوحنا کتب الهامی باشند.

در فهرست موراتوری^{۳۷} که حدود سال ۲۰۰ نوشته شده، ۲۲ کتاب از کتب عهد جدید نام برده شده است. آتاناسیوس (۲۹۶-۳۷۳ م.) در سال ۳۶۷، در نامه‌ای خطاب به کلیساهای مختلف، ۲۷ کتاب از ۳۹ کتاب فهرست خود را به عنوان کتب قانونی عهد جدید معرفی کرد. این ۲۷ کتاب، همان عهد جدیدی است که امروزه مورد پذیرش همه مسیحیان است. در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش رساله یعقوب، رساله اول کلمنت و کتاب دیداخه مباحثی وجود داشته است که سرانجام تنها رساله یعقوب به عنوان کتاب قانونی پذیرفته شد. درباره مقدم یا مؤخر بودن برخی کتاب‌ها نیز، بین کلیساهای شرق و غرب اختلاف بود. برای مثال، کلیسای شرق مایل بود رساله‌های کاتولیکی^{۳۸} پیش از رساله‌های پولس قرار گیرد، اما کلیسای غرب اصرار داشت تا رساله‌های پولس بلافاصله بعد از اعمال رسولان قرار گیرد.

ب. تثبیت نقش سنت^{۳۹}

در قرن دوم جریانی پدید آمد که بر اساس آن، انسان می‌تواند به وسیله معرفتی خاص^{۴۰} نجات یابد. این جریان فکری، که تفکر گنوسی^{۴۱} نام داشت، با مسیحیت تشابه نزدیکی داشت؛ زیرا هم از نام مسیح استفاده می‌کرد و هم گزیده‌هایی از کتاب مقدس را برای اثبات اصول عقاید خود به کار می‌برد. ابداع این دست اندیشه‌های نو، که به نام اندیشه‌های مسیحی صورت می‌گرفت، خشم رهبران مسیحی را برانگیخت و آنان را واداشت تا به نقش سنت توجه جدی داشته باشند. ایرنه، یکی از پدرانانی است که در مقابل تفکر گنوستیکی به دفاع از مسیحیت راستین پرداخت. وی می‌گفت: کلیسا سنت رسولان، یعنی

انجیلی را که ایشان موعظه می‌کردند و در کتب قانونی محفوظ است، به نسل‌های بعدی منتقل کرده است. اما گنوسی‌ها راه دیگری را برگزیده‌اند و عقاید خود را تحت عنوان مسیحیت تبلیغ می‌کنند. ترتولیان نیز با تأسف اظهار داشت که بعضی افراد، معنای کتب مقدس را تحریف می‌کنند تا نظرات خود را اثبات کنند. از نظر وی، سنت می‌تواند کلیسا را از تعابیر و تفاسیر غریب و منحرف محفوظ دارد.

ج. تدوین اعتقادنامه‌ها

در دوره پدران کلیسا، اعتقادنامه‌هایی^{۴۲} تدوین شد که هنوز هم اساس ایمان و اعتقادات مسیحیان را تشکیل می‌دهد. در اوایل مسیحیت کسانی که می‌خواستند تعمید یابند، براساس دستورالعمل مختصری اعتقادات خود را بیان می‌کردند. جزییات این اعتقادنامه‌ها، در مناطق مختلف متفاوت بوده است. از میان اعتقادنامه‌های مسیحی، سه اعتقادنامه که در دوره پدران کلیسا شکل گرفت، از اهمیت بیشتری برخوردارند:

أ. اعتقادنامه رسولان. مسیحیان از این اعتقادنامه در مراسم تعمید خود استفاده می‌کنند. نام اعتقادنامه رسولان، به این دلیل نیست که رسولان آن را نوشته‌اند. این عنوان را نخستین بار یکی از پدران کلیسا، به نام امبروز در سال ۳۹۰ م. به کار برد. اعتقادنامه رسولان دارای سه بخش اصلی درباره خدا، عیسی مسیح و روح القدس و مطالبی درباره کلیسا، روز داوری، رستاخیز و نزول به جهنم، رسالت عیسی و حیات کلیساست. اعتقادنامه رسولان کوتاه و تنها دارای دوازده فراز است که هر یک از دوازده فراز این اعتقادنامه، از دیر زمان به یک رسول نسبت داده می‌شود.

ب. اعتقادنامه نیقیه. این اعتقادنامه از مشهورترین اعتقادنامه‌های مسیحی است که در واکنش به مناقشات بین آریوس و آتاناسیوس در باب الوهیت مسیح پدید آمد. اعتقادنامه نیقیه، در سال ۳۲۵ م. در شورای نیقیه به تصویب رسید. سپس در سال ۳۸۱ م. در شورای اول قسطنطنیه مورد تجدید نظر قرار گرفت. در اعتقادنامه نیقیه آمده است: روح القدس از خدای پدر صادر می‌شود. کاتولیک‌ها قید «و پسر»^{۴۳} را بر آن افزوده‌اند و عقیده دارند روح القدس از پدر و از پسر صادر می‌شود. یکی از عوامل جدایی رسمی شرق و غرب، وجود همین عنصر اعتقادی فیلیکو است. کلیسای شرق بر این باور بود که کلیسای غرب، با تغییر یک جانبه این اعتقادنامه که میراث مشترک

کل کلیساهاست، دچار خطا شده است. کلیساها از این اعتقادنامه در مراسم عشای ربانی خود استفاده می‌کنند.

ج. اعتقادنامه آتاناسیوس. این اعتقادنامه، نام خود را از آتاناسیوس (۳۷۳ م.) گرفته است. آتاناسیوس شماس جوانی بود که در شورای نیقیه، اسقف اسکندریه را در مقابله با آریوس همراهی کرد. اعتقادنامه آتاناسیوس مشتمل بر چهل فراز پیرامون موضوع ایمان است. مطالب این اعتقادنامه در دو بخش تنظیم شده است: بخش اول، به موضوع تثلیث و بخش دوم، به موضوع تجسد پرداخته است. امروزه به سبب تکفیرهای شدیدی که در اعتقادنامه آتاناسیوس وجود دارد، کمتر این اعتقادنامه مورد استفاده قرار می‌گیرد. رسمی و معین شدن فهرست عهد جدید، تثبیت نقش سنت و تدوین اعتقادنامه‌ها در دوره پدران کلیسا به تثبیت و شکل گرفتن الهیات و اعتقادات مسیحیت کمک کرد.

مواضع پدران کلیسا

پدران کلیسا، علاوه بر نقش‌آفرینی در سه عرصه مذکور، کوشیدند تا به سؤالات فکری و مهمی که پیرامون طبیعت مسیح، آموزه تثلیث، محدوده اقتدار و مرجعیت کلیسا و موضوع فیض حاکم خدا در مقابل اراده آزاد انسان وجود داشت، پاسخ دهند. این پاسخ‌ها، مرجعی برای نسل‌های بعدی شده است. علاوه بر این، در طول تاریخ مسیحیت، شاهد موضعی از سوی پدران کلیسا هستیم که تأثیر آن در روند مسیحیت کنونی انکارناپذیر است. برای مثال:

ا. دفاعیه‌هایی^{۴۴} که از سوی پدران کلیسا برای دفاع و توجیه عقلانی از ایمان مسیحی در برابر منتقدان نوشته شده است.^{۴۵} دفاعیه‌های ژوستین شهید، ایرنه اهل لیون^{۴۶} (۱۳۰-۲۰۰ م.) در غرب و اوریگن^{۴۷} (۱۸۵-۲۵۴ م.) در شرق، نمونه‌هایی از دفاعیه‌هاست که در صدد توضیح و دفاع از عقاید و آیین مسیحیت نگاشته شده است.

ب. پدران کلیسا و پیروان آنان، بازگشت عیسی و وقوع آخرالزمان را بسیار نزدیک می‌دیدند. این گرایش، با گذشت زمان و بی‌نتیجه ماندن انتظارات، به انتظار بازگشت وی در آینده‌ای نامعلوم تبدیل شد و از آن زمان تاکنون، ظهور هرگونه بی‌دینی فراگیر و هر حادثه بزرگ طبیعی یا غیرطبیعی از نشانه‌های بازگشت و ظهور مسیح تلقی شده است.

ج. مخالفت پدران کلیسا در قرون نخست با سپردن خدمت کشیشی به زنان هنوز هم مورد توجه است. پدران کلیسا، عقیده برخی از فرقه‌های بدعت‌گذار، به ویژه گنوسیان (غنوصیان) را در این مورد بدعت دانستند و بی‌درنگ آن را محکوم کردند.

د. قدیس باسیل که در قرن چهارم می‌زیست، در رساله سوم خود به اسقف ایقونیه^{۴۸} نوشت که هیچ‌گاه پدران کلیسا از چندهمسری سخنی به میان نیاورده‌اند؛ زیرا آنان این امر را طبیعتی حیوانی می‌شمارند و آن را شایسته مقام انسان نمی‌دانند. وی در این رساله نوشت، گناه چندهمسری از زنا بدتر است.^{۴۹} این عقیده همچنان مورد توجه است و در مسیحیت چندهمسری^{۵۰} وجود ندارد.^{۵۱}

تقسیم‌بندی پدران کلیسا

مورخان مسیحی پدران کلیسا را از جنبه‌های گوناگون تقسیم می‌کنند:

ا. پدران کلیسا، گاهی در رابطه با شورای نیکیه (۳۲۵ م.)، به آبای قبل و بعد از شورای نیکیه تقسیم می‌شوند. کسانی مانند کلمنت، ایگناتیوس، پاپیاس، پولیکارپ، ژوستین و ایرنه، از آبای قبل و کسانی مانند امبروز و یوحنا زین‌دهان، از آبای بعد از شورای نیکیه محسوب می‌شوند؛

ب. پدران کلیسا گاهی در رابطه با منطقه جغرافیایی که مرکز مباحث مهم الاهیاتی بود، تقسیم می‌شوند. سه منطقه دارای اهمیت ویژه‌ای بودند که دو منطقه نخست به یونانی و سومی به لاتینی صحبت می‌کردند:

۱. شهر اسکندریه مصر مرکز آموزش الاهیات به سبک خاصی بود. این سبک با سنت افلاطونی^{۵۲} پیوند داشت. مکتب اسکندرانی^{۵۳} بیشتر بر الوهیت عیسی^{۵۴} تأکید می‌ورزید و الوهیت را به کلمه‌ای که تجسد یافت، تفسیر می‌کرد. مهم‌ترین متن مورد استدلال، واژه «جسم» گردید و میان ما ساکن شد^{۵۵}، بود. اسکندریه در قرن سوم، مهم‌ترین مرکز فکر مسیحی بود. مسیحیان پای درس فیلسوفان یونانی حاضر می‌شدند و در اواخر قرن دوم، خود صاحب مدرسه شدند. کلمنت اسکندرانی (حدود ۱۵۰-۲۱۵ م.) و اورینگن (۱۸۵-۲۵۴ م.) دو متفکر بزرگ مسیحی یونانی زبان قرن سوم در این شهر ظهور کردند. افکار و مذاهب مختلف، ادیان شرقی، مصری و رومی در کنار یکدیگر با صلح و آرامش در این شهر به حیات خود ادامه می‌دادند. یهودیان نیز که غالباً سنت کلامی

- فیلو^{۵۵} را ننگه داشته بودند، برای خود مدارسی داشتند. بزرگان گنوسی مانند والتین^{۵۶} باسیل^{۵۷} و مرقیون نیز چندی در این شهر اقامت داشتند.
۲. شهر انطاکیه و مناطق اطراف کپادوکیه،^{۵۸} یکی از مراکز اصلی تفکر مسیحی بود. مکتب انطاکیه^{۵۹} بر بشر بودن مسیح و الگوی اخلاقی او تأکید می‌کرد. در قرن چهارم پدران کلیسایی، اهل کپادوکیه حضور الاهیاتی مهمی داشتند و به سبب سهمی که در آموزه تثلیث داشتند، شهرت یافتند.
۳. شمال غربی آفریقا، الجزایر کنونی و کارتاژ (تونس)، نویسندگان مهمی از دوره پدران مانند ترتولیان،^{۶۰} سیپریان^{۶۱} و آگوستین اهل هیپو را در خود پرورش داده است.
- ج. پدران کلیسا، گاهی در رابطه با موضعشان نسبت به فلسفه تقسیم‌بندی می‌شوند:
۱. گروهی که فلسفه را رقیب مسیحیت و مضر برای آن می‌دانند، مانند طاطیان؛
 ۲. گروهی که معتقدند می‌توان از فلسفه برای دفاع از مسیحیت و مقابله با مخالفان استفاده کرد، مانند اوریگن؛
 ۳. گروهی که رواج فلسفه در دوره قبل از مسیح را نوعی آماده‌سازی برای پذیرش مسیحیت می‌دانند. بر این اساس فلسفه بر اساس مشیت خدا پدید آمد تا مردم به مرور زمان قدرت فهم تعالیم مسیح را به دست آورند. مانند کلمنت اسکندرانی و ژوستین. این گروه بر این باور بودند که همان‌طور که قوم یهود را موسی ﷺ و فرامینی که به او نازل شد هدایت کرد، قوم یونانی را نیز فلاسفه و حکمای آن هدایت کرده‌اند.
- د. پدران کلیسا، گاهی در رابطه با زبانی که با آن سخن می‌گفتند، به آبای یونانی‌زبان و آبای لاتینی‌زبان تقسیم می‌شوند. پدرانی نیز بوده‌اند که نه یونانی‌زبان محسوب می‌شوند و نه لاتینی‌زبان.

پدران یونانی‌زبان

اسکندر، که در سال ۳۳۶ ق.م زمام امور مقدونیه یونان را دست گرفت، در طول زندگی کوتاه خود، امپراتوری بزرگ بالکان تا سند را تشکیل داد و درصدد بود فرهنگ و تمدن مورد علاقه خود را میان اقوام ساکن آن مناطق گسترش دهد. بدین منظور، شهر اسکندریه را در سال ۳۲۳ ق.م در مصر تأسیس کرد. با تلاش اسکندر و جانشینانش فرهنگ یونانی، مرزها را درهم نوردید و تمدن یونان با زندگی مردم شرق درآمیخت. رواج زبان یونانی

یکی از آثار آن بود. به عقیده ویل دورانت، تسلط تمدن یونانی بر خاور نزدیک، یکی از نمونه‌های عجیب تاریخ باستان است. از دیدگاه وی، هیچ تغییری به این سرعت و وسعت در آسیا دیده نشده است.^{۶۲}

فلسطین به عنوان زادگاه مسیحیت، تابع حاکمیت سیاسی امپراتوری روم بود. اما زبان و ادبیات یونانی در آن رواج داشت. از این رو، مؤلفان عهد جدید، پدران رسولی و پدران کلیسا آثار خود را به زبان یونانی نوشتند. این نوشته‌ها از نوع ادبیات کویینه بود که حد فاصل ادبیات کلاسیک و عامیانه است. این نوع ادبیات، از قرن سوم قبل از میلاد تا آغاز قرن ششم میلادی به کار می‌رفت.^{۶۳} پدران کلیسایی که در دو قرن اول زندگی می‌کردند، آثار خود را به زبان یونانی نوشتند. برخی از پدران که به زبان یونانی آثاری به جا گذاشتند، عبارتند از: ۱. کلمنت (۱۰۰-۳۰ م.)؛ وی احتمالاً یک رومی غیر بنی‌اسرائیلی بود که اسقف کلیسای رم شد که نقش مهمی در هدایت کلیسای رم داشت. در آثار پدران کلیسا دو رساله به کلمنت نسبت داده می‌شود: ۱. رساله اول کلمنت؛ ۲. رساله دوم کلمنت. نامه کلیسای رم به کلیسای قُرنتُس که عموماً آن را به عنوان «رساله اول کلمنت» می‌شناسند، شاید قدیمی‌ترین سند و نوشته مسیحی بیرون از عهد جدید باشد. در هیچ جای این اثر، از کلمنت به عنوان مؤلف آن یاد نشده است. تاریخ سنتی آنکه به سال ۹۶ باز می‌گردد، هم بر اساس شواهد درونی و هم از سوی بیشتر دانشمندان تأیید شده است. کلمنت در این رساله، به عنوان اسقف کلیسای رم با نوعی اقتدار و تحکم به کلیسای قُرنتس خطاب می‌کند و مسیحیان را به اطاعت و فرمانبرداری فرا می‌خواند؛ زیرا آنان علیه رهبران خود طغیان کرده بودند. در آن زمان، کلیسای قُرنتس همه رهبران خود را از مقاماتشان برکنار کرده بود.

کلمنت، با اشاره به داستان هابیل و هابیل (قائن) و نیز عیسو و یعقوب در عهد عتیق، فرجام زشت حسادت را نشان می‌دهد. در این رساله، حدود ۱۵۰ بار از عهد عتیق نقل قول شده است. برخی بر این باورند،^{۶۴} کلمنت همان فردی است که پولس او را شریک و همکار خود می‌داند: «و از تو نیز ای هم‌قطار خالص خواهش می‌کنم که ایشان را امداد کنی؛ زیرا در جهاد انجیل با من شریک می‌بودند...».^{۶۵}

کلمنت در این رساله می‌رساند که با رساله پولس به رومیان، اول قُرنتیان، غلاطیان، اول تیموتاؤس و رساله یعقوب و شاید هم دوم پطرس آشنا بوده است و بر رساله به عبرانیان

کاملاً اطلاع دارد. نوشته معروف به «رساله دوم کلمنت» در واقع، نه یک رساله، بلکه موعظه و خطابه‌ای از یک نویسنده ناشناس است که به کلمنت نسبت داده می‌شود و در حدود سال ۱۵۰ نگاشته شده است. این رساله، بهترین نمونه از محتوای موعظه‌های قرن دوم است. کلمنت از پدرانی است که خط فکری پولس را ادامه داد.

۲. ایگناتیوس (م.ج. ۱۱۰)

یکی از پدرانی که گفته می‌شود رسولان را درک کرده بود، ایگناتیوس^{۶۶} است. وی در اوایل قرن دوم اسقف انطاکیه در سوریه قدیم بود. هشت رساله از پانزده رساله منسوب به ایگناتیوس ساختگی و جعلی است.^{۶۷} هفت رساله دیگر منسوب به وی، نامه‌هایی است که در سفر به رم به کلیساهای سر راه خود نوشته است.^{۶۸} این رساله‌ها، که حدود سال ۱۱۰ نوشته شده است، نسخه‌های کوتاه و بلند دارد. در رساله‌ای به کلیسای رم، از مسیحیان رم می‌خواهد که درخواست آزادی وی را نکنند تا مانع به شهادت رسیدنش نشوند «بگذارید که خوراک حیوانات وحشی شوم؛ زیرا این‌گونه به خدا خواهیم رسید».

ایگناتیوس مقام اسقف را از کشیشان و مشایخ برتر می‌دانست، توجه بسیاری به وحدت کلیسا داشت، کلیسای بدون رعایت سلسله مراتب و مقامات روحانی را قبول نداشت و آموزه‌هایش در مقابل ناستیک‌ها و دوستیست‌ها^{۶۹} بود. ایگناتیوس به دلیل بشارت به مسیحیت، توسط مقامات حکومتی بازداشت و به رم فرستاده و در آنجا شهید شد.

۳. متیس

اطلاعات اندکی از این شخص وجود دارد. شاید متیس^{۷۰} نخستین دفاعیه‌نویس مسیحی باشد. «رساله به دیوجنتوس» که به او منسوب است، تا مدت‌ها پس از چاپ آن در سال ۱۵۹۲ م. به ژوستین شهید نسبت داده می‌شد. در فصل یازده این رساله، نویسنده خود را «شاگرد رسولان» می‌داند.

۴. برنابا

برنابا از سبط لاوی و از اهالی قبرس بود که در زمان رسولان به مسیحیت گروید. وی یوسف نام داشت. رسولان به سبب تلاش‌های وی در تبلیغ آیین مسیح، او را برنابا یعنی «ابن الوعظ» نامیدند.^{۷۱} مؤلف کتاب اعمال رسولان، وی را مردی صالح و پر از روح‌القدس و ایمان معرفی می‌کند.^{۷۲}

در مجموعه آثار پدران کلیسا، رساله‌ای منسوب به برنابا وجود دارد. برخی از پدران کلیسا، این رساله را به برنابا، که در عهد جدید از او یاد شده‌است، نسبت می‌دهند. اما برخی دیگر، نویسندگان این رساله را کسی غیر از برنابای رسول مذکور در عهد جدید می‌دانند که حدود سال ۱۲۰ م. توسط یکی از مسیحیان اسکندریه نوشته شده است. از این‌رو، این رساله اغلب به رساله «کاذب برنابا» مشهور است.

این رساله تفسیر یهودی از تورات را مردود می‌داند و معتقد به تفسیر رمزی و تمثیلی از آن است. باید از ظاهر کتاب و شریعت گشت و تفسیری باطنی و روحانی از وقایع این کتاب و قوانین یهودی کرد. تعیین تاریخ دقیق این اثر دشوار است. دیدگاه عمومی بر این است که نگارش رساله برنابا، از نیمه اول قرن دوم دیرتر نبوده و آن رساله در حدود سال‌های ۱۲۰-۱۳۰ م. تألیف شده است.^{۷۳} در این رساله، عیسی ﷺ پسر ازلی خدا و «خداوندگار همه جهان» است که مجسم شد و به دست مردم مصلوب گردید و برای نجات انسان‌ها از مردگان برخاست. این رساله، مطابق سنت پولسی نگارش یافته‌است. باید توجه داشت که رساله برنابا غیر از انجیل برناباست.

۵. پاپیاس (ح. ۶۰-۱۳۰)

پاپیاس^{۷۴} دوست پولیکارپ و در نیمه اول قرن دوم میلادی، اسقف هیراپولیس^{۷۵} در ایالت فریجیه (در آسیای صغیر) بوده است. برخی احتمال داده‌اند که او از شاگردان یوحنا بوده است. وی اثر خود را پیرامون زندگی و تعالیم مسیح، با عنوان تفسیر سخنان خداوند^{۷۶} نگاشت. اصل این اثر از بین رفته است، اما ده گزیده کوتاه و بلند آن که در نوشته‌ها و آثار یوسیبوس و ایرنه و دیگران آمده، باقی است. بر اساس بخش‌های باقی‌مانده سه نظریه پاپیاس آشکار می‌شود: ۱. مرقس، انجیل خود را بر پایه نظرات پطرس نگاشته است؛

۲. یوسیبوس در قرن چهارم، از پاپیاس نقل می‌کند که متی انجیل خود را به زبان عبری نوشته است^{۷۷} و بعدها دیگران آن را به زبان یونانی ترجمه کرده‌اند. پاپیاس نخستین کسی بوده که حدود سال ۱۲۰-۱۳۰، یعنی پنجاه سال بعد از اینکه انجیل متی در گردش بوده، این کتاب را نوشته متی دانسته است. برخی معتقدند: وی انجیل کنونی متی را نگفته است؛ زیرا این انجیل به زبان یونانی نوشته شده بود.

۳. پاپیاس نظریه هزاره‌گرایی را قبول داشته است. بر اساس این نظریه، عیسی علیه السلام پس از رستاخیز مردگان هزار سال در اورشلیم زندگی می‌کند و سلطنت هزارساله خواهد داشت. برخی گفته‌اند که پاپیاس حدود سال ۱۶۳ م. در رم یا پرغامه^{۷۸} شهید شده است.

۶. پولیکارپ (۱۵۵-۶۹)

پولیکارپ سال‌ها منصب اسقفی شهر اسمیرنا (ازمیر کنونی در ترکیه) را به عهده داشت. وی در جوانی شاگرد یوحنا رسول بود و با ایرنه مهم‌ترین شخصیت مسیحی قرن دوم ملاقات داشت. در جوانی نامه‌ای از ایگناتیوس دریافت کرد و بعدها خود در سال ۱۱۰ م. نویسنده رساله‌ای به کلیسای فیلیپی شد. وی در این رساله، ۶۰ بار از عهد جدید نقل قول کرده که ۳۴ مورد آن از نوشته‌های پولس است و این نشان می‌دهد که در اوایل قرن دوم، آموزه‌های پولس جای خود را نزد برخی از پدران کلیسا باز کرده بود. رساله پولیکارپ اثر وی است.

هنگامی که پولیکارپ را در حضور مقامات رومی محاکمه می‌کردند، از وی خواستند تا به مسیح ناسزا گوید و او را انکار کند، تا وی را آزاد کنند. پولیکارپ گفت: «نمی‌توانم به کسی که ۸۶ سال خدمتگزار او بوده‌ام و چیزی جز خیر و خوبی از وی ندیده‌ام، کفر بگویم.» سرانجام او را در سال ۱۵۵، یا احتمالاً بین ۱۶۶ تا ۱۷۷، در سال خوردگی زنده در آتش سوزاندند. آخرین سخن پولیکارپ این بود: «ای خدای فرشتگان ... تو را شکر می‌گویم که مرا لایق این روز و این ساعت شمردی که از شهادت تو محسوب شوم.»

۷. ژوستین شهید (ح. ۱۰۰-۱۶۵)

ژوستین شهید در قرن دوم در خانواده‌ای یونانی و بت‌پرست، در شکیم فلسطین چشم به جهان گشود. رفتار بی‌باکانه مسیحیان در رویارویی با شهادت، او را تحت تأثیر قرار داد و مسیحی شد. او یکی از بزرگ‌ترین پدران مدافع ایمان لقب گرفت.^{۷۹} سه اثر، شامل یک رساله و دو دفاعیه از ژوستین باقی مانده است:

۱. گفت‌وگو با تریفوی یهودی. وی در این رساله می‌کوشد یهودیان را قانع سازد که عیسی علیه السلام همان مسیحا است.

۲. دفاعی‌هایی از ایمان مسیحی (خطاب به امپراتور). بیشتر این اثر بحث درباره عقاید و اخلاق بنیان‌گذار مسیحیت است.

۳. دفاعی‌هایی از ایمان مسیحی (خطاب به سنای رم). در این کتاب، مسیح با سقراط مقایسه می‌شود؛ زیرا هر دو پرستش خدایان را رد کرده و حاضر شده بودند برای اعتقاد خود رنج بکشند.

ژوستین ابتدا فلسفه را موهبتی می‌دانست که خدا به بشر عطا کرده تا از این طریق او را به خود برساند. اما بعد از ورود به مسیحیت و به مرور زمان معتقد شد که تنها وحی می‌تواند فلسفه را تکمیل کند. مواضع ژوستین، سرآغاز سنت کلامی خاصی است که طی قرون متمادی در میان مسیحیان رایج بوده و از طریق آثار آگوستین، آنسلم و ... تا روزگار ما ادامه یافته است.

۸. ایرنه (ح. ۱۲۵-۲۰۲)^{۸۰}

ایرنه در شهر اسمیرنا در یک خانواده مسیحی چشم به جهان گشود و تحت تأثیر موعظه‌های پولیکارپ، اسقف آن شهر قرار گرفت. وی حدود بیست سال مقام اسقفی لیون در سرزمین گل (فرانسه) را به عهده داشت. وی بر خلاف بسیاری از متفکران مسیحی هم عصرش که به مسیحیت تغییر دین داده بودند، تربیتی مسیحی داشت و خود را شاگرد باواسطه پدران رسولی می‌خواند. او مدعی بود که سنت حقیقی مسیحی را از آنان دریافت کرده است. ایرنه بر خصوصیات و حیانی مسیحیت تأکید بیشتری کرد و آن را در چارچوب سنت حواریون قرار داد. به عبارت دیگر، او از بنیان‌گذاران اصلی اعتقادات رسمی مسیحیت است. ایرنه تواناترین مخالف بدعت بود. وی بدعت را انحراف از کتاب‌های مقدس و قانون ایمان معرفی می‌کرد و اصرار داشت اسقف‌های دیگر نیز بدعت را مشخص و با آن مبارزه کنند. وی در این زمینه، رد بدعت‌ها را در پنج جلد نوشت.

۹. هرماس

هرماس^{۸۱} برادر پاپ پیوس اول (۱۴۰-۱۵۵) است. کتاب مکاشفه‌ای شبانِ هرماس^{۸۲} منسوب به اوست. این اثر، که در آن از مکاشفه، تمثیل و استعاره استفاده شده است، بر ضرورت توبه تأکید می‌کند و گناهکاران را به بازگشت و کار برای خشنودی خدا فرا می‌خواند. به گفته مؤلف کتاب قانون موراتوری، این اثر در حدود سال‌های ۱۴۰-۱۵۵ به دست یکی از برادران پاپ پیوس اول و به منظور تلقین ریاضت و ایستادگی در برابر آزار نوشته شده است. این اثر، درباره تصلیب و رستاخیز عیسی چیزی نمی‌گوید، هرگز به

کتاب‌های عهد عتیق یا عهد جدید اشاره نمی‌کند، نام عیسی ﷺ یا مسیح را مطلقاً نمی‌آورد، و عنوان «پسر خدا» را به شیوه‌ای نسبتاً گیج‌کننده به کار می‌برد.

۱۰. طاطیان (۱۱۰-۱۷۲)

طاطیان^{۸۳} از مسیحیان آشوری شمال عراق بود. مدتی در رم شاگرد ژوستین بود. وی در اثر خود به نام *خطاب به یونانیان*،^{۸۴} ادعای آنان را در مورد رهبری فرهنگی رد کرد. وی مسیحیت را برتر و قدیمی‌تر از آیین و اندیشه یونان می‌دانست. اثر دیگر طاطیان، کتابی است که همه مطالب انجیل‌ها را در بر دارد. این انجیل *دیاتسرون*،^{۸۵} یعنی «برگزیده از چهار» نامیده می‌شود. گردآوری این اثر، بین سال‌های ۱۵۰-۱۶۰ صورت گرفته است. *دیاتسرون* میان مسیحیان سُرّیانی رواج کاملی داشت و در طول چندین قرن، تنها متنی بود که در سوریه بزرگ از انجیل ارائه می‌شد. طاطیان کتاب خود را نخست به یونانی و سپس، به سُرّیانی نوشته است. قدیمی‌ترین ترجمه این کتاب به عربی است و به شخصی به نام ابوالفرج عبداللّه بن الطیب، که در قرن یازدهم میلادی می‌زیسته است، نسبت داده می‌شود.

۱۱. تئوفیلوس انطاکی

تئوفیلوس انطاکی^{۸۶} در خانواده‌ای مشرک در انطاکیه به دنیا آمد و پس از روی آوردن به مسیحیت، ششمین اسقف انطاکیه در سوریه آن روز شد. وی پس از سال ۱۸۰، اثری به نام *تئوفیلوس به اتولیکوس*^{۸۷} نوشت. به این امید که اتولیکوس، که یک قاضی غیر مسیحی بود، مسیحیت را بپذیرد. تئوفیلوس در کتاب خود درباره طبیعت و برتری خدا بحث می‌کند و از ضعف بت‌پرستی سخن می‌گوید. وی نخستین کسی بود که اصطلاح *تریاس*^{۸۸} را برای تثلیث به کار برد.^{۸۹} اگر نگوییم اولین فرد، دست کم یکی از نخستین کسانی است که بر انجیل تفسیر نوشته است.

۱۲. آتناگوراس

آگاهی ما از آتناگوراس^{۹۰} بسیار اندک است. وی یک آتنی بود که به مسیحیت گروید و در حدود سال ۱۷۷، اثری به نام *درخواست برای مسیحیان*^{۹۱} خطاب به امپراتور نگاشت. اثر دیگر وی، *رستاخیز مردگان*^{۹۲} نام دارد. وی در این اثر، رستاخیز را مطابق حکمت، قدرت و عدالت خدا می‌داند و می‌گوید که جاودانگی انسان و طبیعت مرکب او از روح و بدن و پاداش و کیفر رستاخیز مردگان را ایجاب می‌کند. گفته می‌شود افکار وی مانند ژوستین بوده است.

۱۳. کلمنت اسکندری (ح. ۱۵۵-۲۱۵)

کلمنت اسکندری فلسفه یونانی را یک عطیه الهی می‌دانست و یونانی بود که به مسیحیت تغییر دین داد. وی به افکار افلاطون بیشتر از اندیشه‌های ارسطو گرایش داشت و همراه اوريجن بزرگ‌ترین پرچم‌داران مکتب افلاطونی خالص در آغاز مسیحیت بودند. کلمنت مدرسه‌ای برای تربیت آموزگاران دینی مسیحی، در اسکندریه تأسیس کرد که در آن فلسفه یونان تدریس می‌شد.

کتاب *مربی در اخلاق عملی و رساله جنگ* با موضوعات مختلف از آثار وی است. در این آثار آمده است که در تاریخ دو جریان فلسفه یونان و دین یهود وجود داشته که مسیحیت در انتها و غایت آنهاست. به این معنا که فلسفه به عنوان یک نظام معرفتی در کنار دین قرار داشته و خدا دین را جایگزین فلسفه نکرده است. فلسفه و کتاب مقدس در مقابل یکدیگر نیستند، حتی می‌توان گفت که هر دو یک سنت هستند که یک حقیقت را جست‌وجو می‌کنند. بدین ترتیب، خدا به نوعی حقیقت را به همه انسان‌ها عرضه کرده است: به قوم یهود با پیامبران و وحی و به یونانیان با فلاسفه و خرد. اگر یهودیان از دین به مسیحیت آمدند، فیلسوفان از فلسفه به آن گرویدند. یهودیان با وحی آماده دریافت نجات مسیحی شدند و یونانیان با عقل.

جمله معروف «ایمان می‌آورم تا بفهمم»، از وی است که بر اساس آن نوعی حکمت مسیحی به معنای عقلی کلمه پدید می‌آید. وی نیز مانند ژوستین معتقد بود فلسفه یونانی برای آماده‌سازی ذهن بشر برای قبول مسیحیت پدید آمده است.

۱۴. اوريجن (ح. ۱۸۵-۲۵۴)

اوريجن در مصر و در خانواده‌ای مسیحی در سال ۱۸۵ به دنیا آمد و به دلیل مشکلاتی که با اسقف اسکندریه داشت، در سال ۲۳۱ این شهر را ترک کرد. اوريجن رسالات بسیاری نوشت که تنها بخشی از آنها باقی مانده است. معروف‌ترین آنها، کتاب *درباره اصول* است. مخاطبان این کتاب مسیحان و غیرمسیحیان‌اند. وی برای دفاع از مسیحیت و پاسخ به انتقادات سلسوس کتاب *در رد سلسوس* را نوشت. تفسیر وی بر انجیل یوحنا نیز از آثار ایشان است. اوريجن پیشگام مباحث اندیشه مسیحی است. وی با پدید آوردن تفاسیر مبسوطی در باب هر یک از بخش‌های کتاب مقدس، سهم بسزایی در تبیین اندیشه مسیحی

دارد. وی تفسیر تمثیلی را مطرح کرد و میان معنای ظاهری و معنای عمیق کتاب مقدس فرق گذاشت. وی جدایی میان الوهیت کامل پدر و الوهیت پسر را پایه‌گذاری کرد. برخی مذهب آریوس را پیامد همین اندیشه می‌دانند. تألیفات اوريجن، سنگ زیربنایی بود که پس از وی، بیشتر پدران کلیسا بدان اعتماد کردند. اوريجن بزرگ‌ترین دانشمند فارغ‌التحصیل مدرسه اسکندریه است.

۱۵. پدران کپادوکیه

در بخش پدران یونانی‌زبان، سه متفکر مرتبط با حوزه کلامی شهر کپادوکیه^{۹۳} قابل ذکرند:

ا. باسیل اسقف قیصریه (۳۳۰-۳۷۹)

باسیل نزد فیلسوفان بت‌پرست و مسیحی عصر خود درس خواند. سپس به حیات معنوی روی آورد. دیری نپایید که جانشین یوسیبوس اسقف قیصریه شد. وی پیرامون الاهیات برای پدیدآوردن صلح و هم‌زیستی در جامعه مسیحیت کوشید. باسیل معتقد بود که جهان ابتدای زمانی داشته است. وی هر چند یک بار، برای دعا و تفکر به صحرا می‌رفت. زندگی رهبانی در گسترش و پیشرفت مسیحیت در کلیسای ارتدکس نقش مؤثری داشت. راهبان ارتدکس از آیین‌نامه باسیل پیروی می‌کردند و بر اساس آن، دعای روزانه گروهی در دیر انجام می‌شد.

ب. گریگوری نازیانزی (۳۳۰-۳۹۰)

وی در نازیانزا («بکرلار» امروزی، نزدیک «آق‌سرای» در ترکیه) پرورش یافت. مواضع وی در الاهیات مانند مواضع باسیل در وحدت کلیسا پس از مجادلات شورای نیقیه بسیار مفید و مؤثر بود. وی ضمن نقد آریوس از قطعنامه شورای نیقیه دفاع کرد. فلسفه یونان را به عنوان فلسفه شرک مورد حمله قرار داد. وی معتقد بود خدا در ذات و احکامش غیرقابل درک است و نامی برای او نمی‌توان در نظر گرفت. مناسب‌ترین نام خدا، با توجه به خروج ۱۳: ۱۴ «آن است، که هست».

ج. گریگوری نیسی (م. ۳۹۵)

وی در شهر «نیسی» در ترکیه فعلی، که اکنون «نوشهیر (نوشهر)» خوانده می‌شود، به دنیا آمد. گریگوری برادر کهنتر باسیل بود و آن مدت که باسیل اسقف قیصریه بود، وی نیز به اسقفی نیسی منصوب شد. نوشته‌های وی در الاهیات، همه مسائل مورد اختلاف عصر وی

را دربرمی‌گیرد و در فهم آیین‌های مسیحی نقش دارد. همچنین وی بنیان‌گذار گونه‌ای از الاهیات عرفانی است که بر ارزش تجرد تأکید می‌ورزد. مهم‌ترین آثار وی درباره نفس، درباره خالق و خلقت انسان است.

پدران کلیسایی اهل کپادوکیه برای رهبانیت معنا و مفهوم دیگری مطرح می‌کردند. به فساد جامعه بشری معتقد نبودند و ترک آن را لازم نمی‌دیدند. این سه اسقف در مسائل سیاسی و اجتماعی و بحث و جدل‌های الاهیات عصر خود فعالانه شرکت می‌کردند. با این وصف، همه آنان هر چند یک بار برای دعا و تفکر به صحرا می‌رفتند.

۱۶. یوحنای زرین‌دهان (۳۴۷-۴۰۷)

یوحنای زرین‌دهان،^{۹۴} در سال ۳۴۷ در یک خانواده ثروتمند و اشرافی در انطاکیه به دنیا آمد. یوحنای ادبیات کلاسیک یونانی و علم معانی و بیان را به خوبی فراگرفت. این موجب شکوفایی توانایی وی در سخنوری بی‌نظیرش شد. حدود ۶۴۰ سخنرانی و موعظه از او موجود است. عنوان زرین‌دهان از همین‌جا آمده است. وی پس از تعمید به سلک راهبان درآمد و زندگی زاهدانه و مرتاضانه‌ای را برگزید. وی به مقام اسقفی منصوب شد و تا امپراتریس «اودوکسیا»^{۹۵} او را تبعید کرد، در این مقام باقی بود. علت تبعید یوحنای این بود که امپراتریس را به دلیل پوشیدن لباس‌های ناهنجار و نصب مجسمه سیمین خود در نزدیکی محل موعظه‌اش در کلیسای ایاسوفیا،^{۹۶} مورد انتقاد قرار می‌داد. سرانجام، یوحنای در سال ۴۰۷ در تبعیدگاه درگذشت.

۱۷. تئودور (۳۵۰-۴۲۸)

تئودور^{۹۷} در انطاکیه به دنیا آمد و ده سال به فراگیری کتاب مقدس مشغول بود. وی به کشیشی شهر انطاکیه و سپس، به اسقفی شهری در ایالت قیلیقیه منصوب شد. تئودور آخرین عالم از مجموع عالمان الاهی بزرگ انطاکیه در قرون چهارم و پنجم بود. وی طبق روش مکتب انطاکیه کتاب مقدس را لفظ به لفظ تفسیر می‌کرد. تئودور را «شهریار مفسران کهن» نامیده‌اند.

تئودور در ابتدا معتقد بود که عیسی مسیح دارای دو طبیعت و دو ذات است. اما بعدها به این نتیجه رسید که بین ذات یا شخصیت یگانه او و دو طبیعت یا جوهر او، یعنی انسانیت و الوهیت او تمایز وجود دارد. وی در پی این بود که در تقسیم عیسی مسیح به دو

شخص یا دو نوع پسر بودن (پسر خدا و پسر انسان) حد وسطی را بیابد و دو طبیعت او را یکجا ادغام کند. این رویکرد در شورای کالسدون نیز مردود شناخته شد. وی در سال ۴۴۹ در شورای افسس، از مقام خود خلع و به تبعید فرستاده شد. دو سال بعد، در شورای کالسدون مجدداً در مقامش ابقا شد. یکی از آثار وی کتابی به نام «تاریخ کلیسا» دربرگیرنده تاریخ کلیسا بین سال‌های ۳۲۵ تا ۴۲۸ است. آثار اولیه تئودور بر ضد تعالیم سیریل بود.

پدران لاتینی‌زبان

ادبیات کلامی مسیحی لاتینی‌زبان، قدمتی کمتر از ادبیات کلامی مسیحی یونانی‌زبان دارد. شاید علت اصلی آن این است که متون انجیل به یونانی نوشته شد و نخستین تأملات کلامی به این زبان بود.^{۹۸} در این بخش به برخی از پدران کلیسا اشاره می‌کنیم:

۱. ترتولیان (ح. ۱۶۰-۲۲۵)

ترتولیان را پدر الاهیات لاتین می‌خوانند؛ زیرا وی نخستین پدری بود که در برابر حملات بت‌پرستان کتاب‌هایی به زبان لاتینی نوشت و از مسیحیت دفاع کرد. ترتولیان در خانواده‌ای رومی، که در کارتاژ شمال آفریقا در حال مأموریت بود، زاده شد. وی زبان‌های یونانی و لاتین را فراگرفت و در سن بیست سالگی در شهر رم به مسیحیت گروید. وی با آنچه بدعت می‌نامید، به ویژه در مقابله با افکار گنوسی مبارزه کرد. اما کلیسای کاتولیک خود او را هم بدعت‌گذار خواند. وی دشمن اصلی اعتقادات دینی را فلسفه می‌دانست و آن را به عنوان محلی که فلسفه در آنجا نشأت گرفته، در مقابل، اورشلیم شهر دین یهود و ایمان مسیح و همچنین آکادمی محل تجمع فیلسوفان را در برابر کلیسا محل تجمع مسیحیان قرار داد. در مقابل گنوسیسیان که عرفان را عامل نجات می‌دانستند، دین‌داری را در ایمان صرف می‌دانست.

نزد ترتولیان حتی نمی‌توان از عقل برای توضیح و گسترش ایمان استفاده کرد. وی و تاتیانوس،^{۹۹} بالاترین گرایش ضد فلسفه را نزد مسیحیان قرون نخست میلادی نشان دادند. ترتولیان کتاب مقدس را برای دفاع از مسیحیت کافی می‌دانست و مخالف کسانی بود که برای شناخت خدا به فلسفه‌های عرفی رو می‌آوردند. ترتولیان در سال ۲۰۲ به مونتانیسم^{۱۰۰} روی آورد. مونتانیست‌ها برپا شدن اورشلیم آسمانی و روز داوری، یعنی بازگشت مسیح را نزدیک می‌دانستند و به زهد و پارسایی سفارش می‌کردند. وی به کمک تفکر منطقی لاتینی

خود، الاهیات کلیسای غرب را پدید آورد و با نیروهای کاذب فلسفی و بت‌پرستی به مبارزه برخاست. ترتولیان در رساله خود به نام «دفاعیه»^{۱۱۱} خطاب به حاکم رومی ایالت خویش، اتهامات علیه مسیحیان را رد کرد و گفت: آزار و شکنجه مسیحیان به شکست منجر می‌شود و با این کارها تعداد آنان افزایش می‌یابد. ترتولیان در کتاب بر «ضدپراکسیاس»^{۱۱۲} نخستین کسی بود که آموزه تثلیث را تبیین و از اصطلاح تثلیث برای نام‌گذاری این تعلیم استفاده کرد.^{۱۱۳}

۲. کپیریان (م. ۲۵۸)

در کارتاژ پدر لاتین‌نویس دیگری به نام کپیریان برخاست. وی نخستین کسی بود که گفت رهبری کلیسا به شکل دسته‌جمعی توسط اسقفان و با مشارکت اسقف رم انجام می‌گیرد. کلیسای کاتولیک برای بیان نقش پاپ به این نظریه استناد می‌کند.

۳. سیپریان (ح. ۲۰۰-۲۵۸)

سیپریان^{۱۱۴} اندکی پس از سال ۲۰۰، در خانواده‌ای مشرک در کارتاژ به دنیا آمد. در ۴۶ سالگی به مسیحیت گروید و دو سال پس از آن اسقف کارتاژ شد و تا زمان شهادتش در سال ۲۵۸ در این مقام باقی بود. سیپریان، با ادعای برتری اسقف شهر رم، بر همه اسقفان مخالفت می‌کرد. مهم‌ترین اثر سیپریان، کتابی است به نام «درباره وحدت کلیسای جامع»^{۱۱۵} خطاب به پیروان نواتیان،^{۱۱۶} که به پندار وی برضد وحدت کلیسا کار می‌کرد. سیپریان بر این باور بود که کشیش هنگام آیین عشای ربانی، به جای مسیح عمل می‌کند و قربانی حقیقی و کاملی را به خدای پدر تقدیم می‌نماید.^{۱۱۷} این اعتقاد، که رسمیت آیین عشای ربانی به اجرای کشیش بستگی دارد، موجب جدایی بیشتری بین روحانیون و عموم مردم شد.^{۱۱۸}

۴. ماریوس و ویکتورینوس (۲۸۰-۳۶۳)

ماریوس و ویکتورینوس،^{۱۱۹} یکی دیگر از پدران لاتینی‌زبان کلیساست. وی در پنجاه سالگی مسیحی شد و رساله‌هایی در ترجمه و تفسیر متون فلسفی، منطقی و علم نحو لاتینی داشت. رساله مهمش، پس از مسیحی شدن در رد آرئوس است.

۵. امبروز (۳۴۰-۳۹۷)

امبروز^{۱۲۰} در تریر^{۱۲۱} زاده شد. پدرش فرماندار گل (فرانسه) بود. پیشینه تربیتی امبروز نشان می‌دهد که برای خدمات سیاسی آماده شده بود و به زودی استانداری شمال ایتالیا را

عهده‌دار شد. وقتی به امبروز خبر رسید که فرقه‌های رقیب برای برگزیدن اسقف در کلیسای بزرگ شهر گرد آمده‌اند، با شتاب در آنجا حضور یافت و با سخنان خود آنان را آرام کرد. پس از اینکه فرقه‌ها نتوانستند بر سر فردی اتفاق کنند، کسی پیشنهاد انتخاب امبروز را داد و این سبب وحدت آرا شد. امبروز اعتراض کرد که او هنوز تعمید نیافته است، اما با شتاب تعمید یافت و به شمّاسی و سپس، به کشیشی و سرانجام، به اسقفی منصوب شد. همه این کارها، در مدت یک هفته انجام گرفت. امبروز، با قدرت از اعتقادنامه نیقیّه دفاع کرد و مواعظش موجب گرایش آگوستین به مسیحیت شد.

در اواخر قرن چهارم میلادی، هنگامی که تنودوسیوس^{۱۱۲} امپراتور روم می‌خواست برای انجام مراسم «عید پاک» وارد کلیسای شهر میلان شود، امبروز قدیس به دلیل اینکه امپراتور با مردم سالونیک بدرفتاری کرده و دستش به خون آغشته است، شخصاً از ورود او به کلیسا جلوگیری کرد و گفت در صورتی که توبه نکند، تکفیر خواهد شد. امپراتور خاضعانه توبه کرد و آن قدیس توبه‌اش را پذیرفت.^{۱۱۳}

۶. جروم (۳۴۰-۴۲۰)

جروم (هیرونوموس)،^{۱۱۴} در ایتالیا به دنیا آمد و در رم تحصیل کرد. وی در نوزده سالگی تعمید گرفت و پس از مدتی زندگی زاهدانه را برگزید. در شیوه زندگی زاهدانه جروم، که «طریقه کمال» نامیده می‌شد، لازم نبود کسی به صحرا برود. کسب فضایل، انکار خویشتن، تجرد اختیاری و فقر در شهر محل اقامت و حتی در خانه نیز ممکن بود. او در نامه‌ای خطاب به یک راهبه می‌نویسد: «از شراب مانند زهر پرهیز کن... اندرون خالی از طعام و جگر سوخته برای حفظ عفت ضروری است... همنشینان تو زنانی باشند که از روزه رنگشان پریده و جسمشان تکیده است، کمتر از خانه بیرون برو... اموال را رد کن؛ آنها دیگر مال تو نیستند.»^{۱۱۵}

جروم یک مسیحی کوشا و پرحرارت بود. وی به آثار کلاسیک لاتینی علاقه داشت. آنها رابه خوبی فرا گرفته بود. علاقه وی به این آثار چنان بود که حتی در صومعه نیز نوشته‌های سیسرون و... را مطالعه می‌کرد. اما سرانجام وی دیگر از خواندن این آثار احساس گناه می‌کرد:

خواب دیدم که مرده‌ام و مرا برای داوری به پیشگاه داور بزرگ می‌کشاند. از وضع من پرسیدند، و من پاسخ گفتم که مسیحی هستم. ریاست محکمه گفت: «دروغ می‌گویی؛ تو

سیسرونی هستی نه مسیحی، هر کجا گنج توست، قلب تو نیز همانجاست.» من لال شدم و ضربه‌های تازیانه را احساس کردم.... حاضران از ریاست دادگاه خواستند بر جوانی من ببخشاید و فرصت دهد از خطای خود توبه کنم. به شرط آنکه اگر دیگر بار کتاب‌های نویسندگان مشرک را بخوانم، به شکنجه‌ای سخت محکوم سازد.... از آن پس، با شوقی بیش از آنچه در قبل به مطالعه آثار بشری داشتم، به مطالعه کتاب‌های خدا روی آوردم.^{۱۱۶}

جروم پس از مدتی زندگی در صومعه، به مقام کشیشی رسید و سپس، دبیری پاپ داماسوس اول^{۱۱۷} را به عهده گرفت. وی در دربار پاپ همچنان زاهدانه زندگی می‌کرد و لباس راهبان را می‌پوشید. وی ازدواج کشیشان را محکوم می‌کرد و از لزوم تجرد آنان سخن می‌گفت. پس از مرگ پاپ، داماسوس جروم شغل دبیری پاپ را از دست داد و عازم فلسطین شد و سی و چهار سال بقیه عمر خود را در صومعه‌ای در بیت‌لحم گذراند.

جروم در مدت هجده سال، کتاب مقدس را از زبان عبری و یونانی به زبان لاتینی ترجمه کرد. ثمره کار وی به «ولگاتا» معروف شد. این اثر از بانفوذترین آثار ادبی است که کلیسا بیش از ده قرن به طور گسترده از آن بهره‌مند شد. شورای واتیکانی دوم مقرر کرد که ترجمه ولگاتا بازمینی شود و این بازمینی در سال ۱۹۷۷ م به انجام رسید. نوشته‌های جروم را به چهار دسته تقسیم کرده‌اند:

ترجمه‌ها و مطالعات کتاب مقدسی؛ مباحث جدلی؛ تاریخ‌نگاری؛ نامه‌ها (۱۵۰ نامه) و آگوستین (۳۵۴-۴۳۰).

آگوستین به سال ۳۵۴ در تاگاست،^{۱۱۸} واقع در نومیدیا^{۱۱۹} شمال شرقی الجزایر کنونی زاده شد. مادر او مسیحی مؤمن و پدرش بت‌پرست تنگ‌دستی بود. هجده ساله بود که ناخواسته از معشوقه‌اش صاحب پسری شد که او را گاهی فرزند گناه خود می‌خواند. ولی بیشتر او را آدئوداتوس^{۱۲۰} یعنی «خداداد» می‌نامید. در نوزده‌سالگی با مطالعه برخی آثار سیسرون، به فلسفه دل‌بستگی پیدا کرد. چنان شیفته افلاطون شد که او را «نیمه‌خدا» لقب داد. مدت نه سال (۳۷۴-۳۸۳)، ثنویت مانی را پذیرفت. وی در مجالس و عظ امبروز حاضر شد و از آن مجالس تأثیر پذیرفت و در سی و سه سالگی به دست امبروز تعمید یافت. از آن پس، وی ایمان را بر ادراک مقدم شمرد. وی درباره ارتباط ایمان و عقل معتقد بود که قبل از ایمان آوردن، باید از عقل استفاده کرد و عقل انسان را برای دریافت ایمان آماده

می‌کند. البته باید اشراق الاهی باشد تا نور ایمان بر دل بتابد. پس از کسب ایمان، باید دوباره از عقل برای توضیح و گسترش ایمان بهره برد. جمله معروف وی در این باره این است که «بفهم تا ایمان بیاوری، ایمان بیاور تا بفهمی».

آگوستین رهبانیت را پیشه خود ساخت و در سال ۳۸۸، فرقه رهبانی آگوستینی به وجود آمد. سپس، اسقفی هیبو شد و تا پایان عمر (سال ۴۳۰) در آن مقام باقی ماند. آگوستین دیدگاه‌های خود را پیرامون مسائل الاهیات و فلسفه در ۲۳۰ رساله بیان می‌کند. اعترافات وی، زندگی‌نامه خودنوشت اوست. وی سیزده سال از عمر خود را صرف تألیف اثر هزار و دویست صفحه‌ای شهر خدا^{۱۲۱} کرد. آگوستین طرح اصلی این کتاب را از دو شهر مجازی می‌گیرد: یکی، شهری زمینی با مردمی که همت خود را صرف امور و لذات دنیوی می‌کنند و دیگری، شهری آسمانی از پرستندگان یک خدای واحد حقیقی در گذشته و حال و آینده. غیر از اعترافات و شهر خدا، برخی از آثار دیگر وی عبارتند از: درباره ۸۳ سؤال مختلف، درباره اصول عقاید مسیحی، درباره تثلیث، درباره معنای ادبی (ظاهری) سفر پیدایش.

پدران غیر یونانی و لاتینی زبان

پدران کلیسا همه یونانی یا لاتینی زبان نبودند. به اجمال به یکی از این پدران اشاره می‌کنیم:

افرایم (م. ۳۷۳)

افرایم^{۱۲۲} نویسنده برجسته کلیسای سوریه، یکی از پدرانی است که در آغاز قرن چهارم در شهر نیسیس^{۱۲۳} در نزدیکی مرز ایران به دنیا آمد. اسقف شهر به نام یعقوب، که از زاهدان و ریاضت‌کشان بود، او را تعمید و آموزه‌های مسیحی را به وی تعلیم داد. پس از اینکه شهر به تصرف ایرانیان درآمد، وی آنجا را ترک کرد و همراه بسیاری از مسیحیان به شهر ادسا^{۱۲۴} رفت و تا زمان مرگ خود در آنجا مشغول تعلیم بود. وی تفسیرهایی درباره کتاب مقدس، موعظه‌ها، آثاری در تقابل با تعلیم بدعت و تعدادی سرود به نگارش درآورد. وی به عنوان یک شاعر مورد احترام بود و آثارش به زبان‌های یونانی و ارمنی ترجمه شد.

از میان سه دسته پدران کلیسایی مذکور، شش الاهی‌دان برجسته‌تر از دیگران به حساب می‌آیند: ژوستین شهید، ایرنه، اوریگن، ترتولیان، آتاناسیوس و آگوستین.

نقد و تحلیل

همان‌گونه که در این نوشتار یافتیم دوره پدران کلیسا، نقشی اساسی در شکل‌گیری مسیحیت کنونی داشته است. بار دیگر، سخن لسلوت آندروز نویسنده برجسته انگلیکان را متذکر می‌شویم. وی اساس مسیحیت راست‌کیش را در دو عهد (عهدین)، سه اعتقادنامه، چهار انجیل و پنج قرن نخست تاریخ مسیحیت دانست.

این عصر به دلایل الاهیاتی دارای اهمیت فراوانی است. الاهیات کنونی مسیحیت، مبتنی بر کتاب مقدسی است که محدوده آن را پدران کلیسا تعیین و بر اقتدار و مرجعیت آن اجماع کردند. درست در پایان قرن دوم توافق، علاوه بر چهار انجیل و اعمال رسولان، چهارده رساله پولس کتب الهامی باشند. چگونه این تعداد از نوشته‌های پولس در شمار ۲۷ کتاب عهد جدید قرار می‌گیرد؟ پولسی که بیشترین سهم را در انحراف مسیحیت عیسوی دارد، بیشترین تعداد کتاب را در مجموعه عهد جدید به خود اختصاص می‌دهد. قرار گرفتن این تعداد از نوشته‌های پولس در عهد جدید، نشان از تأثیرپذیری پدران کلیسا از اندیشه‌های پولس است. این تأثیرپذیری در مقدم شمردن رساله‌های پولس نیز مشاهده می‌شود؛ زیرا درباره مقدم یا مؤخر بودن برخی کتاب‌ها بین کلیساهای شرق و غرب اختلاف بود. کلیسای شرق مایل بود رساله‌های کاتولیکی پیش از رساله‌های پولس قرار گیرد، اما کلیسای غرب اصرار داشت تا رساله‌های پولس بلافاصله پس از اعمال رسولان قرار گیرد. در چنین کنونی عهد جدید، رساله‌های پولس زودتر از رساله‌های کاتولیکی است.

تدوین اعتقادنامه‌ها در دوره پدران کلیسا در شکل‌گیری ایمان و اعتقادات مسیحیان کنونی نیز نقشی بی‌بدیل بازی کرده است. هر مسیحی که می‌خواست تعمید یابد، باید بر اساس دستورالعمل مختصری اعتقادات خود را بیان کند. این دستورالعمل‌ها میراثی است که اعتقادات مسیحیان کنونی از آن اخذ شده است. یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های اعتقادی مسیحیت، تثلیث است. سه بخش اصلی اعتقادنامه رسولان به عنوان یکی از مشهورترین اعتقادنامه‌های مسیحی درباره خدا، عیسی مسیح و روح القدس است. پس از اینکه در الوهیت مسیح تردید و نزاع پیش می‌آید، اعتقادنامه نیقیه داوری نهایی را انجام می‌دهد و بر الوهیت آن حضرت پای می‌فشارد. این اعتقادنامه در عصر پدران کلیسا، در سال ۳۲۵ به تصویب می‌رسد. یکی دیگر از مهم‌ترین اعتقادات کنونی مسیحیان، موضوع تجسد است.

این موضوع در اعتقادنامه مهم دیگر، یعنی اعتقادنامه آتاناسیوس مورد توجه قرار می‌گیرد. این اعتقادنامه، که شامل چهل بند پیرامون موضوع ایمان است، در دو بخش تثلیث و تجسد تنظیم شده است.

پاسخ و مواضع پدران کلیسا پیرامون طبیعت مسیح، آموزه تثلیث، محدوده اقتدار و مرجعیت کلیسا و موضوع فیض حاکم خدا در مقابل اراده آزاد انسان، مرجعی برای نسل‌های بعدی شده و نمی‌توان تأثیر مهم آن را در روند مسیحیت کنونی انکار کرد. دفاعیه‌های پدران کلیسا برای توجیه عقلانی از ایمان مسیحی در برابر منتقدان، میراثی است که بخشی از سرمایه اصلی اعتقادات کنونی مسیحیان را تشکیل می‌دهد.

حاصل سخن اینکه، گرچه پولس بنیان‌گذار اندیشه انحرافی در مسیحیت است، اما نقش اصلی در تحکیم پایه‌های این اندیشه را باید به پدران کلیسا در ۵۰۰ سال نخست مسیحیت داد. بنابراین، بر محققانی که گام در تحلیل و نقد مسیحیت می‌گذارند، شایسته است که نام پولس آنان را گمراه نکند و به نقش بی‌بدیل پدران کلیسا در شکل‌گیری مسیحیت کنونی توجه کافی داشته باشند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

۱. متی ۲۳: ۸-۱۲.
۲. این زمان در مسیحیت شرقی حدود سال‌های ۱۰۰-۶۰۰ است.
3. Ekklesia
۴. متی ۱۶: ۱۸-۱۹.
5. Catholic Church.
6. Orthodox Church
7. Church Protestant
۸. وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا ... (بقره: ۱۴۳).
۹. توماس میشل، کلام مسیحی، ص ۹۱.
۱۰. در زبان عربی واژه الكنيسة هم برای معبد یهودیان و هم برای معبد مسیحیان به کار می‌رود.
۱۱. رساله اول به قرنتیان ۴: ۱۵.
۱۲. متی ۲۳: ۸-۱۲.
13. papas
۱۴. «ابا» در زبان سُرّیانی به معنای «پدر» است.
۱۵. مرقس ۱۴: ۳۶، رساله به رومیان ۸: ۱۵ و رساله به غلاطیان ۴: ۶.
16. Abbot.
17. Patriarc.
18. Ecumenical Patriarch.
19. Patrology.
20. Patristic.
21. Patrology.
۲۲. تاریخ کلیسا از جنبه‌های متفاوت سیاسی، تیشیری، عقیدتی و... مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در بعد عقیدتی به مباحث متعددی مانند بدعت‌ها، مناقشات الاهیاتی، تدوین اعتقادات‌ها و دفاعیه‌های پدران کلیسا پرداخته می‌شود. مناقشات الاهیاتی سال‌های ۳۲۵-۴۵۱ و ۱۵۱۷-۱۶۴۸ در این زمینه قابل توجه‌اند.
۲۳. برخی قرون اولیه مسیحیت یعنی از سال ۳۰ تا اواخر قرن چهارم (حدود سال ۴۰۰) را به سه دوره تقسیم می‌کنند: ۱. دوره عیسی رسولی، ۲. دوره پدران اولیه کلیسا و ۳. دوره دفاعیات «Apology» (۱۵۰-۴۰۰).
۲۴. ابتدای تاریخ دقیق عصر رسولان باید از سال ۳۳ زمان رستاخیز عیسی ﷺ محسوب شود. ذکر سال ۳۰ یا به خاطر گرد کردن عدد مذکور است یا به خاطر اختلاف در تاریخ مرگ عیسی ﷺ است که برخی مرگ آن حضرت را حتی سال ۲۹ می‌دانند.
۲۵. این دوره عصر «پدران اولیه کلیسا» postolic Fathers Period نیز نامیده می‌شود.
26. Justin Martyr.
۲۷. چهارمین شورای جهانی عبارت است از شورای کالسیدون (Chalcedon) «قاضی کوی» کنونی در ترکیه و در ساحل تنگه بسفر. گاهی از آن به خلقیدون نیز نام برده می‌شود. این شورا در اکتبر سال ۴۵۱ به دستور امپراتور ماریسیان (Marcian) در این شهر تشکیل شد. درباره این شورا دو نکته قابل توجه است: کاتولیک‌ها و ارتدکس‌ها همه شوراها را می‌پذیرند، اما برخی از پروتستان‌ها بعد از شورای چهارم را نمی‌پذیرند. بنابراین، شورای کالسیدون آخرین شورای اجماعی همه مسیحیان به معنای تام است. ثانیاً مصوبات مهم سه‌گانه زیر این شورا را دارای اهمیت مضاعف کرده است:

۱. هیچ کس حق ندارد بدون مجوز کلیسا دیر یا صومعه‌ای ایجاد کند؛
 ۲. تعالیم اوتیخا (Eutyches) (۳۷۸-۴۵۴) باطل است. وی می‌گفت عیسی طبیعت بشری ندارد و فقط دارای طبیعت الاهی است. پیروان اوتیخا «مونوفیزیت» (Monophysite) یعنی کسی که به طبیعت واحد الاهی در مسیح معتقد است) نامیده می‌شوند. شورای کالسیدون همراه با نفی تعلیم «مونوفیزیت‌ها» بر تعالیم شوراهای نیقیه و افسس پیرامون حقیقت طبیعت بشری عیسی و تجسم کلمه ازلی خدا در وی تأکید داشت و بر آن اصرار می‌ورزید.
 ۳. نصب مجدد مقامات اسقفی انطاکیه که شورای سارق (Robber Council) نامی که لئو نماینده کلیسای غرب به شورایی که در سال ۴۴۹ در افسس برگزار شد، داد. این شورا واکنشی به شورای جهانی افسس ۴۳۱ بود و در تاریخ به همین نام معروف شد. آنان را از مقام خود خلع کرده بود.
28. Apostolic Fathers.
۲۹. دیدار و واژه‌های یونانی به معنای تعلیم، یکی از آثار مهم صدر مسیحیت است که اطلاعات مهمی را از آن زمان به ما می‌دهد. این کتاب تا قرن نوزدهم مفقود بوده است و امروزه کسی مؤلف، مکان و زمان تألیف آن را به خوبی نمی‌شناسد. در برخی از مقاطع تاریخ مسیحیت این اثر از ارزشی هم‌تراز رساله‌های عهد جدید برخوردار بوده است.
 ۳۰. به نظر می‌رسد دیوگنتیوس کسی است که رساله برای او نوشته شده است. رساله را یک مسیحی ناشناس در اواخر قرن دوم یا اوایل قرن سوم نگاشته و ماهیت دفاعیه‌ای دارد و از نوشته‌های پدران رسولی محسوب می‌شود. نویسنده با پوچ نشان دادن بت‌پرستی، ناتوان جلوه دادن یهودیت و منطقی دانستن مسیحیت، آیین مسیحیت را در اعتقادات و سجایای اخلاقی برتر از ادیان دیگر معرفی می‌کند.
 ۳۱. این مجموعه در کتاب The Writings of the Apostolic Fathers به ویراستاری پل فوستر و کتاب Christian Writings Early که ماکسول استانیفورت آن را از لاتینی به انگلیسی ترجمه کرده، آمده است.
 ۳۲. اول کرنر، (ترجمه آرمان رشدی)، سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ، ص ۴۹.
33. Lancelot Andrews.
 34. Canon.
 35. Authoritative
 36. Extra-canonical.
۳۷. نام این فهرست (Canon Muratorian) از نام کاشف آن در سال ۱۷۴۰ ل. ای. موراتوری (L. A. Muratori) می‌آید. اصل آن به زبان یونانی بوده، در قرن دوم به زبان لاتینی و سپس به انگلیسی ترجمه شده است. ابتدای آن (که شاید درباره انجیل متی صحبت می‌کند) و انتهای آن گم شده است. این متن به سبب اشاره به انگیزه‌ها و فرایند رسمی شدن کتاب‌های مقدس اهمیت دارد.
 ۳۸. رساله‌هایی از عهد جدید که مخاطب آنها عموم مؤمنان مسیحی است، رساله‌های کاتولیکی نام دارند؛ مانند رساله یعقوب، رساله اول و دوم پطرس، رساله اول، دوم و سوم یوحنا و رساله یهودا. از سوی دیگر رساله‌های غیرکاتولیکی رساله‌هایی هستند که مخاطب یا مخاطبان خاصی دارند، مانند رساله‌های پولس به رومیان، قرتیان، غلاطیان، افسسیان، فیلیپیان، کولسیان، تسالونیکیان، تیموتاوس، تیتوس، فلیمون و عبرانیان.
 ۳۹. سنت «Tradition» عبارت است از مجموع شعائر و عقایدی که از حواریون به دست مسیحیان رسیده است.

حواریون نیز آنها را از روح‌القدس دریافت کرده‌اند. بر اساس شورای ترنت (۱۵۴۵-۱۵۶۳) سنت از نظر ارزش در کنار کتاب مقدس قرار گرفت و با آن دارای رتبه واحدی شد. بر این اساس هر مسیحی باید نسبت به هر دو به طور یکسان احترام قائل شود. امروزه سنت همچون کتاب مقدس منبع معتبری برای اصول عقاید کاتولیک‌هاست. برخی معنای سنت را انتقال عقیده، آداب و رسوم از گذشته به زمان حال دانسته‌اند.

۴۰. این جریان فکری به زبان یونانی Gnosis نامیده می‌شد. گنوسیسیان کسانی بودند که با آیین‌های ظاهری مخالفت بودند، نجات و سعادت ابدی را در رعایت قوانین دینی نمی‌دانستند و بر این باور بودند که نجات با نوعی الهام و اشراق به دست می‌آید.

41. Gnosticism.

۴۲. اعتقادنامه یک خلاصه فشرده، معتبر و رسمی از مهم‌ترین اعتقادات دینی است که همه مسیحیان آن را قبول دارند. به همین دلیل این واژه هرگز درباره بیانیه‌های اعتقادی که متعلق به فرقه‌های خاص باشد، به کار نمی‌رود.
۴۳. به زبان لاتینی: filioque.

44. Apologetics.

۴۵. به زودی در این باره در بخش پدران یونانی و لاتینی زبان سخن خواهیم گفت.

46. Ireneaus of Lyons.

47. Origen.

۴۸. Iconium قونیه کنونی در ترکیه.

۴۹. حنانیا الیاس کساب، *مجموعه الشرع الکنسی*، ص ۸۹۸.

50. Polygamy.

۵۱. اسلام چندهمسری را محدود کرده و آن را به صورت مشروط پذیرفته است. از نظر این آیین در صورت ترس از بی‌عدالتی، گرفتن تنها یک زن مجاز است. نساء ۳.

۵۲. نظریه مثل افلاطون (۴۲۷-۳۴۸ ق.م) قرن‌ها اساس بسیاری از نظام‌های فلسفی را تشکیل می‌داد. وی قائل به دو نوع موجود بود: محسوسات که مادی‌اند و در طبیعت مشاهده می‌شوند و صور یا مثل که غیرمادی‌اند و در عالمی فرای جهان طبیعت قرار دارند. نوع اول زمانی و فناپذیرند و آغاز و پایان دارند و نوع دوم خارج از زمان و جاویداند.

53. Alexandrian School.

۵۴. یوحنا ۱: ۱۴.

۵۵. Philo حکیم یهودی اهل اسکندریه (م. ح. ۵۰) است. وی معتقد بود که مثل افلاطونی به صورت لوگوس یا حکمت خداست که خدا به وسیله آن جهان را آفرید، خدا جوهر عالم هستی است و لوگوس حکمت جاوید اوست. عقل می‌تواند به وجود او پی ببرد، اما نمی‌تواند هیچ صفتی را به او نسبت دهد، زیرا هر صفتی یک نوع محدودیت است. خداوند در آفرینش جهان از طریق شکل دادن به ماده و برای ایجاد رابطه با بشر سپاهیبانی از موجودات واسطه را به کار برد که نزد یهودیان «فرشته»، در آیین یونانیان «خدایان» و در فلسفه افلاطون «مُثل» نام گرفته‌اند. به عقیده فیلو این موجودات را می‌توان عموماً به صورت اشخاص مجسم کرد، گرچه در واقع جز در روح خدا به عنوان اندیشه‌ها و قدرت‌های الهی وجود ندارند. این قدرت‌ها روی هم چیزی را تشکیل می‌دهند که رواقیان آن را «لوگوس» یا «عقل الهی خالق و راهبر جهان» می‌نامیدند. فیلو که میان فلسفه و الاهیات و مُثل و

صورت انسانی در نوسان است، لوگوس را به منزله شخص در نظر می‌آورد. وی آن را «نخستین مخلوق خدا» و «فرزند خدا از دوشیزه حکمت» می‌نامد و می‌گوید خدا خود را از طریق لوگوس بر انسان آشکار کرد. چون روح جزئی از خداست، به وسیله عقل می‌توان به یک شهود عرفانی، نه از خود خدا، بلکه از لوگوس نایل آمد. در نظریه فیلو لوگوس یا حکمت الاهی واسطه آفرینندگی خدا به شمار می‌رود. نظریه فیلو درباره لوگوس یکی از مؤثرترین و نافذترین اندیشه‌ها در تاریخ تفکر بشر است.

۵۶. والتین یک مسیحی غنوصی است که ایرنه اسقف لیون (۲۰۲م) اعتقاد او را درباره تصلیب عیسی این‌گونه مطرح می‌کند: «بنابراین، عیسی [روی صلیب] درد نکشید، بلکه شخصی به نام شمعون قیروانی مجبور شد صلیب او را حمل کند و همین شمعون قیروانی بود که از روی جهل و خطا مصلوب شد؛ زیرا عیسی وی را به شکل خود در آورده بود به گونه‌ای که مردم تصور می‌کردند که او عیسی است؛ در حالی که عیسی به شکل شمعون درآمده، آنجا ایستاده بود و ایشان را مسخره می‌کرد.» (ر.ک: اف. ئی. پیترز، *یهودیت، مسیحیت و اسلام*)

۵۷. باسیل یکی از پدران کلیسای کپادوکیه است که هر چند یک بار برای دعا و تفکر به صحرا می‌رفت. راهبان ارتدکس از آیین‌نامه باسیل پیروی می‌کردند و بر اساس آن، دعای روزانه گروهی در دیر انجام می‌شد.

۵۸. در ترکیه امروزی.

59. Antiochene School.

60. Tertullian.

61. Cyprian of Carthage.

۶۲ تاریخ تمدن ویل دورانت

63. Johannes Quasten, *Patrology*, Vol 1, p. 20.

64. Alexander Roberts & James Donaldson (eds.), *The Ante-Nicene Fathers*, vol.1, p. 2.

۶۵. رساله به فیلیپان ۴: ۳.

66. Ignatius.

67. Alexander Roberts & James Donaldson, *Ibid*, vol.1, p. 105.

۶۸. پنج نامه به پنج کلیسای آسیای صغیر، نامه‌ای به کلیسای رم و نامه‌ای به پولیکارپ

۶۹. دوسیتست‌ها «Docetist» مسیح را موجودی کاملاً روحانی می‌دانستند که به بدن مادی آلوده نشد. آنان

واقعی بودن بدن مادی مسیح را انکار می‌کنند و معتقدند که فقط شبحی بر روی صلیب زجر کشید. ایگناتیوس بر تجسم مسیح در مقابل این تعلیم تأکید فراوان داشت.

70. Mathetes.

۷۱. اعمال رسولان ۴: ۳۶

۷۲. اعمال رسولان ۱۱: ۲۴

73. Alexander Roberts & James Donaldson (eds.), *Ibid*, vol.1, pp. 134-135.

74. Papias.

75. Hierapolis.

76. Exposition of the Oracles of the Lord.

۷۷. برخی معتقدند نمی‌توان به صحت سخن پاپیاس اعتماد کرد؛ زیرا یوسیبوس پاپیاس را کم‌هوش می‌داند.

78. Pergamus.

۷۹. منظور از پدران مدافع ایمان نویسندگان مسیحی قرن دوم هستند که کوشیدند از مسیحیت در برابر حملات بی‌ایمانان و کفار دفاع کنند.

۸۰. برخی تولد و مرگ ایرنه را بین سال‌های ۱۶۰-۲۴۰ میلادی می‌دانند.

81. Hermas.
82. The Pastor of Hermas.
83. Tatian.
84. Address to the Greeks.
85. Diatessaron.
86. Theophilus of Antioch.
87. Theophilus to Autolyucus 2:15.
88. trias.
89. Theophilus to Autolyucus 2:15.
90. Athenagoras.
91. A Plea for the Christians.
92. The Resurrection of the Dead.
۹۳. کپادوکیه در وسط آناتولی کنونی منطقه‌ای است که بیشترین تعداد از پدران یونانی را پرورش داده است.
94. John Chrysostom.
95. Empress Eudoxia.
۹۶. کلیسای حکمت مقدس (به یونانی آیا سوفیا) (Hagia Sophia) که ژوستینیان اول آن را بنا کرده بود، با فشار اسلام بر امپراتوری بیزانس و سقوط قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳ به مسجد تبدیل شد.
97. Theodore.
۹۸. ر.ک: محمد ایلخانی، تاریخ فلسفه در قرون وسطا و رنسانس و متافیزیک بوئتیوس (بحثی در فلسفه و کلام مسیحی)
99. Tatianus.
100. Montanism.
101. Apology.
102. Against Praxeas.
103. Christianity Through the Centuries, pp.111-174.
104. Cyprian.
105. On the Unity of the Catholic Church.
106. Novatian.
107. Cyprian, Epistles, LXII:14.
108. Christianity Through the Centuries, pp.123-126, 164, 173.
109. Marius Victorius.
110. Ambrose.
111. Trier
112. Theodosius.
۱۱۳. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه گروهی از مترجمان، ج ۴، ص ۷۰-۷۱.
114. Jerome (Hieronymus).
115. Jerom, Letters, xxvii.
116. Ibid., xxii, 30.
117. I. Damasus.
118. Tagaste.
119. Numidia.
120. Adeodatus.
121. The City of God.
122. Ephrem.
123. Nisibis.
124. Edesa.

منابع

- تیسن، هنری، *الاهیات مسیحی*، ترجمه ط. میکائیلیان، بی‌جا، حیات ابدی، بی‌تا.
- الدر، جان، *تاریخ اصلاحات کلیسا، تهران، نور جهان، ۱۳۲۶*.
- لین، تونی، *تاریخ تفکر مسیحی*، ترجمه روبرت آسریان، بی‌جا، فرزانه، ۱۳۸۰.
- دورانت، ویل، *تاریخ تمدن*، ترجمه گروهی از مترجمان، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
- ناس، جان. بی.، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
- ایلخانی، محمد، *تاریخ فلسفه در قرون وسطا و رنسانس*، تهران سمت، ۱۳۸۲.
- میلر، و.م.، *تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران*، ترجمه علی نخستین، تهران، حیات ابدی، ۱۹۸۱.
- مولند، اینار، *جهان مسیحیت*، ترجمه محمدباقر انصاری و مسیح مهاجری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸.
- مک‌گراث، آلیستر، *درسه‌نامه الاهیات مسیحی*، ترجمه بهروز حدادی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴.
- کرنز، ارل، *سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ*، ترجمه آرمان رشدی، کلیسای جماعت ربانی، آموزشگاه کتاب مقدس.
- مجتهدی، کریم، *فلسفه در قرون وسطا*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- آمریکایی، هاکس، *قاموس کتاب مقدس*، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷.
- کتاب مقدس*، ترجمه دکتر بروس، لندن، بی‌نا، ۱۹۰۴.
- میشل، توماس، *کلام مسیحی*، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷.
- ایلخانی، محمد، *متافیزیک بوئیوس (بختی در فلسفه و کلام مسیحی)*، تهران، الهام، ۱۳۸۰.
- حنانیا الیاس کساب، *مجموعه الشرع الكنسی*، بیروت، منشورات النور، ۱۹۸۸.
- یوحنا بطرس غوری، *مختصر اللاهوت الادبی*، ترجمه یوحنا حبیب، ۱۸۷۹.
- فان فورست، رابرت، *مسیحیت از لابه‌لای متون*، ترجمه جواد باغبانی و عباس رسول‌زاده، قم مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴.
- سی. تی. مریل، *معرفی عهد جدید*، ترجمه ط. میکائیلیان، تهران‌زیر حیات ابدی، ۱۳۶۲.
- انس الامیرکانی، جیمس، *نظام‌التعلیم فی علم اللاهوت القویم*، بیروت، مطبعة الامیرکان، ۱۸۹۰.
- پیترز، اف. ئی.، *یهودیت، مسیحیت و اسلام*، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴.

The Ante-Nicene Fathers, Alexander Roberts & James Donaldson (eds.), Eerdmans Publishing Company, 1996, 10 vols.

Early History of the Christian Church, Duchesne, London, 1933.

The Encyclopedia of Religion, Mircea Eliade (ed.), Macmillan, 1987, 16 vols.

Encyclopedia of Religion and Ethics, James Hastings (ed.), Clark, 2003.

History of the Christian Church, Philip Schaff, Eerdmans Publishing Company, 1991, 8 vols.

The Oxford Dictionary of the Christian Church, F. L. Cross (ed.), Oxford University Press, 1974.

Oxford Dictionary of Popes, J. N. D. Kelly, Oxford University Press, 1996.

Patrology, Johannes Quasten, Allen; Christian Classics, 1995, 4 vols.

The Systematic Theology, Paul Tillich, Chicago: The University of Chicago Press, 3 vols.

What Is Christianity?, Adolf von Harnack, New York: G.P. Putnam's Sons, 1901